پیک نوروزی

دبیرستان فرزانگان ۳

دفترچه دروس عمومی

پایه یازدهم رشته تجربی

یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار

یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال

حلول سال نو و بهار پر طراوت را که نشانه قدرت لایزال الهی و تجدید حیات طبیعت می باشد

را به تمامی دانش آموزان عزیزمان تبریک و تهنیت عرض نموده و سالی سرشار از برکت و

معنویت را از درگاه خداوند متعال و سبحان برای شما عزیزان مسئلت مینماییم

دبیرستان فرزانگان ۳

بسم الله الرحمن الرحيم

فرزانگان ۳

تاریخ آزمون: ۱۳۹۹

زمان برگزاری: ۱۲۰ دقیقه

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون: تکلیف عید ادبیات یازدهم تجربی

۱ مفهوم کدام بیت «بی‌ادّعایی عاشقان حقیقی» است؟

الف) ببین لاله‌هایی که در باغ ماست — خموشند و فریادشان تا خداست

ب) به رقصی که بی پا و سر می‌کنند — چنین نغمهٔ عشق سر می‌کنند

۲ در بیت زیر چه آرایه‌هایی وجود دارد؟

در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری — آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

۳ مقصود از عبارت «مرا نیز از عهده ی لوازم ریاست بیرون باید آمد و مواجب سیادت را به ادا رسانید» چیست؟

۴ چرا مطوّقه پیشنهاد می دهد که موش به جای بریدن بندهای او، ابتدا بندهای دوستانش را ببرد؟

۵ بیت زیر را به نثر روان امروزی بنویسید:

شماریت با من بباید گرفت — بدان تا جهان مانَد اندر شگفت

۶ در بیت «خروشید کای پایمردان دیو / بریده دل از ترس گیهان خدیو» منظور از «دیو» و «گیهان خدیو» چیست؟

۷ هر یک از واژه‌های مشخّص شده در بیت‌های زیر مشمول کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه شده است؟

الف) یکی خوب دستار بودش حریر — به موزه درون پر ز مشک و عبیر

ب) سودای این سواد مکن بیش در دماغ — تکلیف این کثیف منه بیش بر روان

پ) دست از طلب ندارم تا کام من برآید — یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید

۸ عبارات کنایی زیر معنا کنید.

الف) پشت راست کردن: .....

ب) سر اندر کشیدن: .....

ج) سر از بند بیرون کردن: .....

۹ با توجّه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«به سال اندکی و به دانش بزرگ — گوی، بدنژادی، دلیر و سترگ

یکی محضر اکنون بباید نوشت — که جز تخم نیکی سپهبد نکشت»

الف) بیت اوّل در مورد چه کسی سخن می‌گوید؟

ب) ضحّاک از موبدان چه درخواستی می‌کند؟

ج) منظور از «سپهبد» چه کسی است؟

۱۰ کدام یک از ابیات زیر نشان‌دهندهٔ سخنان تند و جسارت کاوه در برابر ضحّاک است؟

الف) تو شاهی و گر اژدها پیکری — بباید بدین داستان داوری

ب) خروشید و برجست لرزان ز جای — بدرّید و بسپرد محضر به پای

۱۱ در ابیات زیر واژه‌های مشخّص شده را معنا کنید.

الف) خروشید کای پایمردان دیو — بر دیده دل از ترس کیهان خدیو

ب) نباشم بدین محضر اندر گوا — نه هرگز بر اندیشم از پادشاه

۱۲ با توجّه با ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

الف) خروشید و خروشید و برجست لرزان ز جای — بدرّید و بسپرد محضر به پای

ب) چو کاوه برون آمد از پیش شاه — بر او انجمن گشت بازارگاه

۱- در کدام بیت شجاعت و آزادگی کاوه ترسیم شده است؟

۲- در بیت «ب» کدام واژه «مجاز» است؟

۳- کدام بیت نشان‌دهندهٔ پاسخ مثبت مردم به قیام کاوه است؟

۱۳ با توجّه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«از آن چرم کاهنگران پشت پای — بپوشند هنگام زخم درای»

همان کاوه آن بر سر نیزه کرد — همان گه ز بازار برخاست گرد»

الف) به این گونه ابیات که در معنا و خواندن به هم وابسته‌اند چه می‌گویند؟

ب) معنای واژه‌های مشخّص شده را بنویسید.

ج) کدام مصراع نشانهٔ پاسخ مثبت مردم به قیامت کاوه است؟

د) کدام واژه از فهرست واژگان متروک شده است؟

۱۴ با توجّه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«خروشان همی‌رفت نیزه به دست — که ای نامداران یزدان‌پرست

کسی کاو هوای فریدون کند — سر از بند ضحّاک بیرون کند»

الف) کدام بیت به تقابل جناح حق و باطل می‌پردازد؟

ب) در بیت دوم دو عبارت کنایی بیابید.

۱۵ مفهوم کلّی هر یک از ابیات زیر را بنویسید.

الف) با جوانان چون دست بگشادی — پای گردون پیر بربستی

ب) زور داری، چون نداری علم کار — لاف آن نتوان به آسانی زدن

۱۶ در عبارات زیر معنای واژه‌های مشخّص شده را بنویسید.

الف) روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرّج بردند.

ب) از هر طرف نفیر برآمد.

ج) استعداد مجرّد، جز حسرت روزگار نیست.

۱۷ شیوهٔ بیان بیت زیر عادی است یا بلاغی؟ در صورت بلاغی بودن آن را مرتّب کنید.

«همه برده سر در گریبان فرو — نشد هیچ‌کس را هوس رزم او»

۱۸ در ابیات زیر شکل درست واژهٔ املایی را انتخاب کنید.

الف) سپر بر سر آورد شیر اله (علم – الم) کرد شمشیر آن اژدها

ب) که ناگاه (عمر – عمرو) آن سپهر نبرد برانگیخت ابرش برافشاند گرد

ج) چنین آن دو ماهر در آداب ضرب ز هم رد نمودند هفتاد (حرب – هرب)

۱۹ در مصراع‌های زیر معنای واژه‌های مشخّص شده را بنویسید.

الف) فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ

ب) بخایید دندان به دندان کین

ج) چو ننمود رخ شاهد آرزو

۲۰ در ابیات زیر واژه‌های «وندی»، «مرکّب» و «وندی مرکّب» را بیابید.

«فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ

نخست آن سیه‌روز و برگشته‌بخت برافراخت بازو چو شاخ درخت»

۲۱ ابیات زیر را براساس مفاهیم «توازن قدرت – پافشاری در نبرد – شدّت درگیری» مرتّب کنید.

الف) فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ

ب) بیفشرد چون کوه پا بر زمین بخایید دندان به دندان کین

ج) چو ننمود رخ شاهد آرزو به هم حمله کردند با از دو سو

۲۲ کلمات ستون اوّل را به معادل آن در ستون دوم ربط دهید.

آواز	ژنده
مهیب	سهم
ترس	پور
پسر	آوردگاه
شیر	لحن
نبردگاه	غضنفر

۲۳ با توجّه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«به نام خدای جهان‌آفرین بینداخت شمشیر را شاه دین»

الف) واژهٔ «بینداخت» به چه معناست؟

ب) منظور از «شاه دین» چه‌کسی است؟

ج) چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

۲۴ عبارات کنایی زیر را معنا کنید.

الف) پا فشردن: .....

ب) دست بر سرکوفتن: .....

ج) رنگ از رخ پریدن: .....

۲۵ پیام بیت زیر را بنویسید.

«کسی کز بدی دشمن میهن است به یزدان، که بدتر از اهریمن است»

۲۶ در ابیات زیر معنای واژه‌های مشخّص شده را بنویسید.

الف) مرا اوج عزّت در افلاک توست به چشمان من کیمیا خاک توست

ب) کسی کز بدی دشمن میهن است به یزدان، که بدتر از اهریمن است

ج) دفاع از وطن کیش فرزانگی است گذشتن ز جان رسم مردانگی است

۲۷ در عبارت‌های زیر، نوع حذف را از داخل کمانک انتخاب کنید. (لفظی- معنوی)

الف) هر چه ارزان‌تر، بهتر. ب) حسن دیروز آمد. کی؟

۲۸ معنای واژه‌های مشخّص شده را بنویسید.

الف) کبوتران فرمان وی امام ساختند و راه بتافتند.

ب) زاغی در حوالی آن بر درختی بزرگ گشن خانه داشت.

۲۹ در عبارات زیر واژه‌های مشخّص شده را معنا کنید.

الف) آن موش را زبرا نام بود با دهای تمام

ب) ناگاه صیّادی بدحال خشن‌جامه، جالی برگردن روی بدان درست نهاد.

ج) و در آن مواضع از جهت گریزگاه روز حادثه صد سوراخ ساخته.

۳۰ کلمات ستون اوّل را به معادل آن در ستون دوم وصل کنید.

رخشان	صواب
شرف‌ها	معالی
محبّت	لامع
مهلکه	موّدت
صلاح	ورطه

۳۱ کلمات ستون اوّل را به معادل آن در ستون دوم وصل کنید.

دبیر	مکرمت
جوانمردی	ستیزه‌روی
سرزنش	بدحال
گستاخ	ردا
پریشان	کمند
جبّه	ملامت
بند	منشی

۳۲ کلمات ستون اوّل را به مترادفشان در ستون دوم ربط دهید.

اندرز دادن	قفا
پشت	اعتذار
رهایی	اثر
عذرخواهی	دها
ردّ پا	تگ
هوش	تخلّص
دویدن	مناصحت

۳۳ جدول زیر را کامل کنید.

واژه	مکرّر	معونت	مظاهرت	متواتر	اختلاف	ضمیر	سیادت
مترادف							

۳۴ جدول زیر را کامل کنید.

واژه	فرمانبری	رئیس	بدگویی	پوزش خواستن	همنوعان	گردن‌بند	بر طبق
مترادف							

۳۵ در بیت زیر آرایه‌های «ایهام تناسب و حسن تعلیل» را بیابید.

«درفشان لاله در وی چون چراغی ولیک از دود او بر جانش داغی »

۳۶ نویسنده در عبارت زیر چه مکانی را توصیف می‌کند؟

«از عکس ریاحین او، پر زاغ چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی»

۳۷ در بیت زیر چند ضمیر به کار رفته است؟ مرجع ضمیرها را مشخّص کنید.

«درفشان لاله در وی چون چراغی ولیک از دود او بر جانش داغی»

۳۸ از واژه‌های مفرد زیر جمع مکسّر بسازید.

ریحان – تجربه – طریق – موفع – مصلحت – صاحب – نَفْس – موجب

۳۹ حرف «ی» در پایان فعل‌های عبارت زیر، نشانهٔ چیست؟

« پر زاغ چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی»

۴۰ در متن زیر صفت‌ها را بیابید و نوع آن‌ها را مشخّص کنید.

«و در وی شکار بسیار و اختلاف صیّادان آن‌جا متواتر. زاغی در حوالی آن بر درختی بزرگ گشن خانه داشت.»

۴۱ در عبارات زیر ضمیرها را بیابید و مرجعشان را مشخّص کنید.

«و در وی شکار بسیار و اختلاف صیادان آن‌جا متواتر. زاغی در حوالی آن بر درختی بزرگ گشن خانه داشت.»

۴۲ در عبارات زیر واژه‌های حذف شده را بیابید و نوع قرینهٔ آن را مشخص کنید.

الف) و در وی شکار بسیار و اختلاف صیادان آن‌جا متواتر

ب) نتوان دانست که قصد من دارد یا از آن کس دیگر.

۴۳ مفهوم عبارات کنایی زیر را بنویسید.

الف) خیر و شرّ احوال را مشاهدت کردن

ب) دل برگرفتن

ج) زه‌آب دیدگان گشادن

۴۴ مفهوم کدام‌یک از عبارات زیر «توجّه به تقدیرگرایی» است؟

الف) خیر و شرّ احوال مشاهدت کرده

ب) مرا قضای آسمانی درین ورطه کشید

۴۵ مفهوم کدام عبارت بر «ضرورت حقوق زیر دستان بر رؤسا» تأکید می‌کند؟

الف) در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراغ موافقت اولی‌تر والّا طاعنان مجال وقیعت یابند.

ب) من ریاست این کبوتران تکفّل کرده‌ام و ایشان را از آن روی برمن حقّی واجب شده است.

۴۶ مفهوم کلّی عبارت زیر چیست؟

«در آن مواضع از جهت گریزگاه روز حادثه صد سوراخ ساخته و هر یک را در دیگری راه گشاده و تیمار آن فراخور حکمت و برحسب مصلحت بداشته»

۴۷ در کدام گزینه حذف فعل صورت گرفته است؟ نوع حذف را مشخّص کنید.

الف) با پایهٔ جلال تو افلاک پایمال — وز دست بحر جود در دهر داستان

گر در خیال چرخ فتد عکس تیغ او — از یکدیگر جدا شود اجزای توامان

۴۸ در ابیات زیر واژه‌هایی که نادرستی املایی دارند را بیابید و شکل صحیح آن را بنویسید.

الف) گهی بر فلک سروری عروج کند — نخست پایهٔ خود فرق فرقدان گیرد

ب) چراغ دیده محمود آنکه دشمن را — ز برق تیغ وی آتش به دودمان گیرد

ج) ایا عظیم وقاری که هر که بندهٔ توست — زمعِ غدْر کمربند توأمان گیرد

د) از امتحان تو ایّام را قرض آن است — که از قفای ریاضت دلت نشان گیرد

هـ) فرشته‌ای به حقیقت سروش عالم غیب — که روضهٔ کرمش نکته بر جنان گیرد

۴۹ در ابیات زیر واژه‌هایی که نادرستی املایی دارند را بیابید و شکل صحیح آن را بنویسید.

الف) به شکر تهمت تکفیر از میان برخاست — بکوش کز گل و مل داد عیش بستانی

ب) هزار چون من اگر محنت و بلا بیند — تو را از آن چه در نعمتی و در نازی

ج) به اعتماد وفا، نقد عمر صرف مکن — که عن‌غریب تو بی زر شوی و او بیزار

د) برآر دست تضرّع ببار اشک نَدَم — ز بی‌نیاز بخواه آنچه بایدت به نیاز

هـ) همه کامی و دولتی داری — چه دعا گویم ای امیر عجل؟

۵۰ درمتن زیر غلط‌های املایی را بیابید

«و در این وقت او به نزدیک تو می‌آمد، خواستم که به موافقت او بیایم و به سعادت ملاقات تو مؤانستی طلبم و از وهشت قربت باز رفتم؛ که تنهایی کار صعب است و در دنیا هیچ شادی چون صحبت و مجالست دوستان نتواند بود.»

۵۱ درمتن زیر غلط‌های املایی را بیابید.

«و سزاوار محنتی که در آن صبر کرده شود آن است که در رفع آن مظاهرت و سعی ممکن نباشد و گفته‌اند بزرگ‌تر محاسن رحمت و شفقت است و سرمایهٔ الفت، مدارا با اصحاب و اصل عقل شناختن بودنی از نابودنی و قناعت تبع به امتناع طلب آن»

۵۲ در متن درس، هر یک از واژه‌های زیر، در چه معنایی به کار رفته است؟

- هنر (.....)
- محضر (.....)
- درای (.....)
- منزل (.....)

۵۳ در بیت زیر، کلمهٔ «گر» در چه معنایی به کار رفته است؟

تو شاهی و گر اژدها پیکری　　بباید بدین داستان داوری

۵۴ بیت زیر را معنا کنید.

«چه جانانه چرخ جنون می‌زدند　　دف عشق با دست خون می‌زدند»

۵۵ دربارهٔ کاربرد و معنای فعل «ایستاد» در جمله‌های زیر توضیح دهید.

■ گرازان به تک ایستاد.

■ صیّاد در پی ایشان ایستاد.

۵۶ معنای بیت زیر را بنویسید.

«بزن زخم این مرهم عاشق است　　که بی‌زخم مردن، غم عاشق است»

۵۷ در متن زیر صفت‌های بیانی را بیابید و نوع آنها را مشخّص کنید.

«بیش‌تر این داستان‌ها پس از انطباق بر احوال تاریخی و باورها و معتقدات قومی، به‌طور کلّی به هنگام سفر به آینده تجربه‌های آموختنی روزگاران را در خود جذب می‌کنند.»

۵۸ جدول زیر را کامل کنید.

فعل	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت مفعولی	صفت لیاقت
دارد می‌لغزد				
بچکد				
بگُسلد				
می‌انبارد				

۵۹ با توجّه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«از آن‌ها که خورشید فریادشان　　دمید از گلوی سحرزادشان»

الف) فریاد رزمندگان به چه چیزی مانند شده است؟

ب) کدام قسمت بیت به روشنی‌بخشی و نورانیّت کلام رزمندگان اسلام اشاره می‌کند؟

۶۰ کدام بیت با بیت «در ره منزل لیلی که خطرهاست در آن / شرط اوّل قدم آن است که مجنون باشی» ارتباط معنایی دارد؟

الف) بزن زخم، این مرهم عاشق است　　که بی زخم مردن غم عاشق است

ب) از آن‌ها که خونین سفر کرده‌اند　　سفر بر مدار خطر کرده‌اند

۶۱ در ابیات زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

الف) گر نبودی شرف ذات تو منظور قضا　　تا ابد کارگه چرخ بماندی مهمل

ب) در سنای تو سخن را نرسد غیر گداز　　هم چو شبنم که به خورشید درآید به جدل

ج) این قدر هست که کف بر لب جان می آرم　　تا بود شوق مرا محمل غم بار جمل

د) تا بود حسن عمل رهبر عالم به بهشت　　تا بود رهزن جاهل ز جنان طول امل

۱) یک　　۲) دو　　۳) سه　　۴) چهار

۶۲ بیت زیر با همهٔ ابیات تقابل مفهومی دارد؛ به‌جز ..... .

«مگو سوخت جان من از فرط عشق　　خموشی است هان اولین شرط عشق»

۱) بند لب عاشق نشود مهر خموشی　　در نی گرهی نیست که منقار نگردد

۲) فکر تو خموشی است «حزین» از سخن عشق　　این کهنه شرابی است که از جوش فتاده

۳) در انجمن عشق که گفتار خموشی است　　خاموش نشستن ز سخندانی عقل است

۴) صحبت عشق و خموشی در نمی‌گیرد به هم　　می‌شکافد سنگ را از شوخ‌چشمی این شرار

۶۳ ترتیب توالی ابیات زیر از جهت داشتن آرایه های «ایهام- تضاد- جناس ناهمسان- اغراق» کدام است؟

الف) دیدهٔ تر دامنم تا می زند نقشی بر آب / خاک کویت را به خون هر شب منقّش می کند

ب) لعل جان بخش تو خود دل های مسکینان به لطف / جمع می دارد ولی زلفت مشوّش می کند

ج) زان شراب ناب بی غش ده که اندر صومعه / صوفی صافی به بوی جرعه ای غش می کند

د) نام و ننگ و صبر و هوش و عقل و دینم شد حجاب / ترک من بازآ که سلمان ترک هر شش می کند

۱) ج- ب- د- الف
۲) د- ج- الف- ب
۳) ج- د- ب- الف
۴) د- الف- ج- ب

۶۴ مفهوم کدام گزینه با بیت «هلا منکر جان و جانان ما/ بزن زخم انکار بر جان ما» تناسب دارد؟

۱) دل به جز انکار زهد، کار ندارد اگر / کار تو داری دلا، چون به از این کار نیست

۲) بس که از پهلونشینان زخم منکر خورده‌ام / می‌خلد بند قبا چون تیر در پهلوی من

۳) شمعم ز دم سرد خسان باک ندارد / خورشید ز صرصر نکند هیچ محابا (صرصر: باد سخت و سرد)

۴) زخم دلخواهی که خورد از دست جانان «محتشم» / مدّعی از رشک خواهد شد به جای او هلاک

۶۵ آرایه‌های مقابل کدام بیت تماماً درست است؟

۱) گفتار تلخ از آن لب شیرین چو شکر است / ای جان من که خسرو خوبان عالمی (تناقض، حس‌آمیزی)

۲) شود آسوده هر کس در جوانی کار می‌سازد / که پیری کارهای سهل را دشوار می‌سازد (کنایه، تشبیه)

۳) نیست باکم زآتش نمرودیان / گر بسوزانندم از کین چون خلیل (تناقض، تشبیه)

۴) عاقلان را تنگ‌دستی می‌شود رهبر به حق / رو به دریا می‌کند ابری که بی‌باران شود (تشخیص، تضاد)

۶۶ نقش دستوری کلمات مشخص‌شده، در کدام گزینه درست آمده است؟

۱) شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست / صلای سرخوشی ای صوفیان باده‌پرست (صفت)

۲) به هست و نیست مرنجان ضمیر و خوش می‌باش / که نیستی است سرانجام هر کمال که هست (نهاد)

۳) زبان کلک تو حافظ چه شکر آن گوید / که گفتهٔ سخنت می‌برند دست به دست (قید)

۴) من خود ای ساقی از این شوق که دارم مستم / تو، به یک جرعهٔ دیگر ببری از دستم (مضاف‌الیه)

۶۷ مضمون همهٔ ابیات، به‌استثنای بیت ..... با یکدیگر تناسب دارد.

۱) آسمان کشتی ارباب هنر می‌شکند / تکیه آن بِه که بر این بحر معلّق نکنیم

۲) بگیرد از تو فلک داده‌های خود به لجاج / چو کودکان که متاعی دهند و پس گیرند

۳) فلک به مردم نادان دهد زمام مراد / تو اهل فضلّی و دانش همین گناهت بس

۴) دفتر دانش ما جمله بشویید به می / که فلک دیدم و در قصد دل دانا بود

۶۸ در کدام گزینه مفاهیم «اخلاص عمل، راسخ بودن، ناکامی، تأیید الهی» به ترتیب آمده است؟

الف) بیفشرد چون کوه پا بر زمین / بخایید دندان به دندان کین

ب) چو ننمود رخ شاهد آرزو / به هم حمله کردند باز از دو سو

ج) چو غلتید در خاک آن ژنده فیل / بزد بوسه بر دست او جبرئیل

د) به نام خدای جهان‌آفرین / بینداخت شمشیر را شاه دین

۱) د، الف، ب، ج ۲) ج، الف، ب، د ۳) د، الف، ج، ب ۴) ج، د، الف، ب

۶۹ مفهوم بیت «چه از تیر و چه از تیغ، شما روی نتابید / که در جوشن عشقید، که از کرب و بلایید» با کدام گزینه قرابت دارد؟

۱) تشنهٔ آغوش دریا را تن‌آسانی بلاست / چون صدف هرکس که در دامان ساحل ماند، ماند

۲) دل عاشق ز گل‌گشت چمن آزرده‌تر گردد / که هر شاخ گلی دامی است مرغ رشته بر پا را

۳) تو نه مرد عشق بودی خود از این حساب سعدی / که نه قوت گریز است و نه طاقت گزندت

۴) کیست آن فتنه که با تیر و کمان می‌گذرد / وان چه تیرست که در جوشن جان می‌گذرد

۷۰ مفهوم مقابل بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«تو یک ساعت، چو افریدون به میدان باش، تا زان پس / به هر جانب که روی آری درفش کاویان بینی»

۱) از هوای نفس اگر خود را کنی گردآوری / روز حشر از آتش دوزخ حصارت می‌شود

۲) به عجز اقرار کن صائب و گرنه نفس سرکش را / چو شمع از سرزدن رگ‌های گردن بیش می‌گردد

۳) خویشتن را چون به راه داد و عدل و دین روی / گر چه افریدون نه‌ای برگاه افریدون کنی

۴) دست آهنگر مرا در مار ضحاکی کشید / گنج افریدون چه سود اندر دل دانای من

۷۱ در همهٔ گزینه‌ها واژه‌ای یافت می‌شود که در گذر زمان «تحول معنایی» یافته است، به‌جز گزینهٔ ..... .

۱) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست

۲) هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست / ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست؟

۳) همی خواست زد بر سر شهریار / سپر بر سر آورد شاه سوار

۴) شوخ با صابون این شوخان بنزدایم ز تن / که به نرمی هم‌چو لیف‌اند و به سختی سنگ پا

۷۲ مفهوم بیت «چو بینم که درویش مسکین نخورد / به کام اندرم لقمه زهر است و درد» با کدام عبارت تناسب دارد؟

۱) چو من بسته باشم، اگرچه ملالت به کمال رسیده باشد - اهمال جانب من جایز نشمری.

۲) به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جای برگیریم که رهایش ما در آن است.

۳) در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراغ موافقت اولی‌تر.

۴) مگر تو را به نفس خویش حاجت نمی‌باشد و آن را بر خود حقی نمی‌شناسی؟

۷۳ در گروه لغات زیرچند واژه نادرست معنی شده اند؟

« فراخور(لایق)- زه آب(قنات)- ورطه(گور)- تعجیل(شتاب)- التفات(توجّه)- اصحاب(یاران)- حدیث(سخن)- مناصحت(دوستی)- حاجت(نیاز) - ثقت (اعتماد)»

۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۷۴ مفهوم مصراع اوّل بیت «چو ننمود رخ شاهد آرزو / به هم حمله کردند باز از دو سو» با کدام بیت زیر قرابت دارد؟

۱) ز خون دل شده رنگین دو دیدهٔ تر ما / بهار لالهٔ ما گل کند ز ساغر ما

۲) گذشت عمر و دل ما به آرزو نرسید / در آشیانهٔ ما پیر شد کبوتر ما

۳) زدی به تیغ و بریدی و ساختی پامال / چه روزها که نه افکنده‌ای تو بر سر ما

۴) ستاره سوختگان چون سپند سبز شدند / کجاست گریهٔ ابر بهار اختر ما

۷۵ مفهوم متن «حالی صواب آن باشد که جمله به طریق تعاون قوّتی کنید تا دام از جای برگیریم که رهایش ما در آن است. کبوتران فرمان وی بکردند و دام برکندند.» با همهٔ ابیات به استثنای بیت ..... تناسب دارد.

۱) مورچگان را چو بود اتفّاق / شیر ژیان را بدرانند پوست

۲) به بارگاه تو چون باد را نباشد بار / کی اتفّاق جواب سلام ما افتد

۳) دو دوست با هم اگر یک دلند در همه کار / هزار طعنهٔ دشمن به نیم جو نخرند

۴) حسنت به اتّفاق ملاحت جهان گرفت / آری به اتّفاق جهان می توان گرفت

۷۶ مفهوم بیت «وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم/ دل بر عبور از سد خار و خاره بندیم» با کدام بیت متناسب است؟

۱) به نیم چشم‌زدن، پیک تیزگام نظر — عبور می‌کند از هفت غرفهٔ والا

۲) به عزم مرحلهٔ عشق پیش نِه قدمی — که سودها کنی ار این سفر توانی کرد

۳) ای آن که دل به دولت بیدار بسته‌ای — در راه برق سدّ خس و خار بسته‌ای

۴) سعدی! به لب دریا دردانه کجا یابی؟ — در کام نهنگان رو، گر می‌طلبی کامی

۷۷ بیت زیر، با کدام بیت قرابت معنایی دارد؟

«ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید — آن که در دستش کلید شهر پر آیینه دارد»

۱) ساحل چشم من از شوق به دریا زده است — چشم بسته به سرش، موج تماشا زده است

۲) در دل از دوری تو حال و هوای دگر است — شوق دیدار شما لحظه به لحظه به سر است

۳) دارد از جاده صدای جرسی می‌آید — مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید

۴) هر قدم در طلب وصل دچار خویشم — شوق او آینه‌ها بر سر راهم آویخت

۷۸ مفهوم کدام گزینه با بیت «مروّت نبینم رهایی ز بند/ به تنها و یارانم اندر کمند» در تقابل است؟

۱) بر آبخورد آخر مقدّم تشنگان‌اند — می ده حریفانم صبوری می‌توانند

۲) کجاست عاشق صادق که نگسلد از دوست — گرش ببرّد دشمن به تیغ بند از بند

۳) غم فرستادی به جانم جان بدل ایثار کرد — یار را هرگز نباشد راحت از یاران دریغ

۴) راحت دنیا ز خود بردار تو — بهر یاران کن ورا ایثار تو

۷۹ آرایهٔ استعاره در کدام بیت بیشتر است؟

۱) به خنده از لب خود پُر شکر کنی دامن — مرا چو چشم در اندازد از گریبان دُر

۲) هر کجا نقّاش نقش قامت و لعلش کشید — جلوهٔ طوبی نگر، سرچشمهٔ کوثر ببین

۳) به چون تو محتشمی بی‌بها سخن ندهم — بده ز لعل شکر بار قند و بستان دُر

۴) چون بگویی بفشانی گهر از حقّهٔ لعل — چون بخندی بنمایی ز شکر مروارید

۸۰ در همهٔ ابیات گزینهٔ ..... یکی از زمینه‌های «خرق عادت» یا «ملّی» حماسه وجود دارد.

الف) همه سرکشانشان پیاده شدند — به پیش گو اسفندیار آمدند

ب) مرا بر شما زان فزون است مهر — که اختر نماید همی بر سپهر

ج) دریدم جگرگاه دیو سپید — ندارد بدو شاه از این پس امید

د) چرا رزم جُستی ز اسفندیار — که او هست رویین‌تن و نامدار

هـ) چنین گفت سیمرغ کز راه مهر — بگویم کنون با تو راز سپهر

و) سر اندر سپهر اختر کاویان — چو ماه درخشنده اندر میان

۱) الف - ج - هـ - و ۲) د - الف - ب - هـ ۳) د - و - هـ - ج ۴) ب - د - ج - و

فرزانگان ۳

تاریخ آزمون: ۱۳۹۹

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون: تکلیف عید عربی یازدهم

۱ کَم اسم التفضیل جاء فی العبارة التالیة؟ «اتّقی النّاس اللهَ فی الدُّنیا لأنّ اللهَ قالَ: «أُحبُّ النّاس الّذین یتّقوننی» لهذا یحاولُ أکثرُ المسلمینَ لیکونَ عملُهم أوسَطَ الأعمالِ حقًّا و إنّ الأکابرَ فی التاریخِ مِن أعلَی المتّقین و صاحب أغلَی الأعمالِ!»

۱) خمسة ۲) أربعة ۳) ستّة ۴) أکثر من ستّة

۲ عیّن «لا»ی نفی:

۱) یا عاقل! لا تفکّر فی شؤون الآخرین!
۲) فلا تجعل باطن حیاتک معادلاً لظاهر حیاتهم!
۳) فلا أحدَ إلّا و عنده مشاکل فی باطن حیاته!
۴) لا یعلمها أحد إلّا الله تعالی!

۳ عیّن الخطأ:

۱) زیباترین حیوانات از نظر من آهویی است که در یکی از جزایر استوایی زندگی می کند!: أجمل الحیوانات فی رأیی ظبیٌ یعیش فی إحدی الجُزر الإستوائیّة!
۲) این دانش‌آموزان در خواندن درس‌های سخت خود کوتاهی نخواهند کرد!: هؤلاء التّلمیذات لَن یُهملن فی قراءة دروسهنّ الصَّعبة!
۳) تو باید زبان عربی را یاد بگیری تا بتوانی با آن صحبت کنی!: علیکِ أن تتعلّمی اللّغة العربیّة لتقدری أن تتکلّمی بها!
۴) اگر دانش‌آموزان به کتابخانه بروند کتاب‌های ارزشمندی می‌یابند!: إنْ التلامیذ یذهبوا إلی المکتبة یجدوا کُتباً قیّمة!

۴ عیّن الأصحّ والأدقّ فی الجواب للترجمة :
«اذا أردت أن تعیش فی حیاتک بالفرح و الراحة فما علیک الّا أن تدَع الحرص لأنّ الانسان الحریص لا ینال مُناه!» : اگر بخواهی...

۱) در زندگی‌ات فقط با شادی و راحتی زندگی کن. تو باید حرص را رها کنی، زیرا انسان حریص به آرزویش نمی‌رسد!
۲) در زندگی‌ات با شادی و آسودگی زندگی کنی بر تو لازم است که تنها طمع را رها کنی، زیرا انسان حریص به آرزوهایش نمی‌رسد!
۳) که با شادی و آسایش زندگی کنی بر تو لازم است که طمع را رها کنی، زیرا حریص به آرزویش نخواهد رسید!
۴) در زندگی شادی و خرمی داشته باشی تنها بر تو لازم است که حریص نباشی، زیرا انسان با طمع به آرزوهایش نمی‌رسد!

۵ «ألم تَرَوا کیف خلق اللهُ سبعَ سماوات طباقاً»

۱) آیا نمی‌بینید خداوند هفت آسمان تودرتو را خلق کرده است!
۲) آیا نیاندیشیده‌اید که الله هفت آسمانی خلق کرده که تودرتو بوده است!
۳) آیا نمی‌اندیشید چگونه الله آسمان‌های هفت‌گانه را طبقه بر طبقه آفریده است!
۴) آیا ندیده‌اید که خداوند چگونه هفت آسمانی آفریده است که طبقه طبقه است!

۶ عیّن حرف «لـ» تختلف من حیث المفهوم:

۱) لیعتمد الطّلّاب علی أنفسهم فی المجالات المختلفة
۲) نحنُ نتناول الرّمان لتکوین الکریات الحمراء.
۳) التلمیذ الکسلان لیُنَبّه من نوم الغفلة.
۴) الکذب عمل قبیح، لنتجنبه.

۷ عیّن ما فیه کلمةُ «خیر أو شرّ» اسمُ التفضیلِ»

۱) الإستهزاءُ بالآخرین شرٌّ عظیمٌ!
۲) الخیر فی مساعدةِ الآخرین بلا انتظارِ جبرانها!
۳) المؤمنونَ لِیَجتَنبوا مِن الشّرِّ لأنّه ینزّل مقامهم!
۴) نحنُ نعلمُ أنَّ خیر الأعمال هی أخفاها!

۸ عیّن العبارة الّتی فیها اسم العَلَم:

۱) منصورُ! ما تَعْمَلُ عندما تُواجِهُ الخَطَرَ؟!
۲) إنَّ المَحمودَ هُو الّذی یَحمَدُ!
۳) قال أحدُ المعصومینَ: العِلْم صَیدٌ و الکِتابَةُ قَیْدٌ!
۴) الصّادقُ هُو الّذی یَصْدُقُ فی کلِّ مجالٍ!

۹ عَیِّن ما فیه من المعارف أقلّ:

۱) کان فرعونُ یعیش فی عصرٍ جاء موسی رسولاً!
۲) فی مازندران بحرٌ یجذبُ سُیّاحا مِن کلّ مکان!
۳) فی الشّارع طفلٌ، الطفلُ محمدٌ!
۴) إن الجوّ فی أردبیل فی الشّتاء باردٌ جدًّا!

۱۰ عیِّن الصَّحیح:

۱) قد شبَّه اللهُ کلامَ مَن یرفع صَوته دونَ دلیلٍ بصَوت الحِمار!: خداوند سخن آن را که صدایش را بی‌دلیل بالا برده، به صدای الاغ تشبیه می‌کند!

۲) علی کلِّ مؤمنٍ أن یُحافظ علی صحّة أعضاء جسمِه!: بر هر مؤمنی واجب است که از اعضای سالم بدن خود محافظت و مراقبت کند!

۳) بُنیَّ! مِن الجَمیل أن تَدعش شاتمکَ مُهاناً و لا تَسُبّه!: پسرک‌من! زیباتر است که دشنام‌گوی خویش را خوار کنی و به او دشنام ندهی!

۴) الإمام الصّادق (ع) هُو مؤسِّس أکبر مَدرسة فی عَصرِه!: امام صادق (ع) تأسیس کنندهٔ بزرگ‌ترین مدرسه در دوران خویش است!

۱۱ عیّن «اللّام» یَختلفُ عن الباقی:

۱) یُساعِدُنی أخی لتکمیل هذا البناء فی فصل الصّیف!

۲) حاوَلْتُ فی حیاتی کثیراً لتهذیب نفسی حتّی أصِلَ إلی أهدافی!

۳) جَلَستُ مَعَ أسرتی حولَ الْمائدةِ لتناول الطّعام!

۴) لأتعلّم التّجارب الْمهمَّة فی حیاتی، ذَهبتُ إلی بیتِ جَدّی!

۱۲ عیّن اسماً معرفةً یقبلُ التّنوین:

۱) «أرسَلْنا إلَی فرعَونَ رَسولاً فَعَصَی فرعَونُ الرَّسول ...»!

۲) قالَ علیٌّ لصدیقه: تَعالَ نَذهَبْ إلی المَلعَب!

۳) سُئلَ النّبیُّ (ص) أیُّ المالِ خَیرٌ؟ قالَ: الزَّرعُ!

۴) شَجَرَةُ الْخُبزِ شَجَرَةٌ اسْتوائیَّةٌ تَنمو فی جُزُرِ الْمُحیطِ الْهادِئ!

۱۳ عیِّن الصَّحیح فی ضبطِ حرکاتِ الکلمات:

۱) قَد یَتَذَکَّرُ الأستاذُ طلّابا کانوا یَدرُسُونَ فی الْمَدرسَة!

۲) إنْ نَبتَعِدْ عَنْ مُجالسَة الأراذِلِ فَلَن نَفشَلَ فی الحیاة!

۳) قد أمرَ الإسلامُ الْمُسلمینَ بأنْ یَتَعایشُوا تَعایُشاً سِلمیًّا!

۴) إنْ نَستَخدِمْ فی الْمَعرَکَة خُطَّةً رائعَةً فَسَوفَ یَنْسَحِبُ العَدُوُّ!

۱۴ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی التعریب :

«شهیدان در خاطره‌ی ملت ما هستند و آنان را هرگز فراموش نخواهیم کرد!»

۱) الشهداء فی ذِکرَی أُمّتنا و لا ننسی هؤلاء ابداً

۲) إنَّ الشهداء فی ذاکرة شعبنا و لن ننساهم أبداً!

۳) الشهیدانِ فی ذاکر شعبنا و هؤلاء سوف لا ننساهم إلی الأبد!

۴) الشهداء یکونون فی تذکر أمّتنا و لا ننسی إیاهم حتّی الأبد!

۱۵ عیّن الصحیح:

۱) إنّ واجبکم الدفاع عن مظلومی العالم!: وظیفه ی شما است که از مظلومان جهان دفاع کنید!

۲) لن ترجع من حدود بلادک الّا بالفتح المبین!: از مرزهای کشور بازنمی گردی مگر با پیروزی آشکار!

۳) أخذت راتبی القلیل فساعدتُ المساکین بشیء منه: حقوق کمی گرفتم و با مقداری از آن به درماندگان کمک کردم.

۴) سافرت إلی مناطق إیران المختلفة و شاهدتها: به مناطق مختلف در ایران سفر کردم تا آن‌ها را مشاهده کنم.

۱۶ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی االتّرجمة:

«أعرض عن هوی نفسک حتّی لایصل ضررُه إلی قلبک»

۱) از هواهای نفس خود اعراض کن تا به دل تو زیان نرساند!

۲) از هوای نفس خود روی برگردان تا زیان آن به قلبت نرسد!

۳) از خواهشهای نفسانی خویش پرهیز کن تا ضررش به قلب تو نرسد!

۴) از خواهش نفسانی خویش دوری کن تا ضررهایش را به دل تو نرساند!

۱۷ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبة للتّرجمة :

سافرنا فی ایام الصّیف الماضی الی المناطق المختلفة لنشاهد مناظر جمیلة و تَمَتَّعنا کثیراً بهذه المناظر! : در روزهای تابستان گذشته به .....

۱) مناطق گوناگون سفر کردیم تا صحنه‌های زیبایی را ببینیم و از این مناظر بسیار بهره‌مند شدیم!

۲) مناطق گوناگون مسافرت کردیم و صحنه‌هایی زیبا را دیدیم و از این مناظر بسیار بهره بردیم!

۳) مناطقی گوناگون سفر کردیم و صحنه‌های زیبا را دیدیم و از بسیاری از این مناظر بهره بردیم!

۴) مناطق مختلفی سفر کردیم تا صحنه‌هایی زیبا را ببینیم و از مناظر آن بسیار بهره‌مند شدیم!

۱۸ عین الصحیح فی الترجمة:

رأیتُ فی حدیقتنا بلابل جمیلة تُغَرّد بصوتٍ جمیل و نحن استرحنا تحت الأشجار الخضراء!

۱) در باغمان بلبل‌های زیبا را دیدم که در حال آواز خواندن با صدای زیبا بودند و ما زیر درختان سرسبز استراحت کردیم!

۲) بلبل‌های زیبایی را در باغمان دیدم که با صدایی زیبا آواز می‌خواندند و ما زیر درختان سرسبز استراحت کردیم!

۳) بلبل‌های زیبایی را که با صدایی زیبا آواز می‌خواندند در باغ دیدم و ما زیر درختان سرسبز به استراحت پرداختیم!

۴) در باغمان بلبل‌های زیبا هستند که با صدایی زیبا آواز می‌خوانند و ما زیر درختان سبز استراحت می‌کنیم!

۱۹ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للتعریب :

عیِّن الخطاء : «این دانش‌آموزان در انجام تکالیف خود کوشا هستند!»

۱) هولاء الطّالبات مجتهداتٌ فی أداءِ تکالیفهنَّ!

۲) هذانِ الطّالبان المجتهدانِ، فی أداءِ وظائفهما!

۳) هولاءِ الطّلاب، مجتهدون فی أداءِ وظائفهم!

۴) هاتانِ الطّالبتان فی أداءِ وظائفهما مجتهدتان!

۲۰ عیّن الخطأ عن الکلمات المتضادة و المترادفة:

۱) التبجیل ≠ التحقیر / أطْیَب = أحْسَن

۲) دَنَا ≠ بَعُدَ / مُزارع = فلّاح

۳) الخطأ ≠ الثواب / تابَ = اِستَغْفَرَ

۴) یَعصی ≠ یُطیعُ / جادَلَ = نازَعَ

۲۱ عیّن ما لَیسَ فیه أُسلوب الشرط:

۱) ما قرأتَ مِن هذه المجلّة یَنفعک فی الحیاة.

۲) مَن یُسَجِّل هدفاً یَذهَب إلی النّهائیّ.

۳) إذا تَتَوکَّلُ عَلی اللهِ فَهُوَ حَسبُکَ.

۴) ما أطلُب منکم القیام بالأعمالِ الحَسنَةِ فی حیاتکُم.

۲۲ عَیّن عبارةً لیست فیها جملة وَصفیة:

۱) الکُتُبُ النافعة مفیدة للطُلّاب.

۲) رأی کَلباً یَلْهَثُ من العَطَش.

۳) رأیتُ ظبیاً یمشی بِهُدوء علی الرَّمْل.

۴) الکتابُ صَدیقٌ مُخلِصٌ یُبعِدُکَ عن الضَّلال.

۲۳ عیّن حرفَ «اللّام» فی «لیعلموا» یختلف معناها عن الباقی:

۱) تَکلَّمت مع أصدقائی لِیَعلَموا کیف یُمکنُ النّجاح لهم فی برامجهم؟!

۲) قلتُ لتلامیذی: إ نّ التّلامیذ لیعلَموا أنّ النّجاح فی الامتحانات یَحتاج إلی اجتهادٍ کثیرٍ!

۳) إنّ المعلّم أوصی تلامیذَه للمطالعة و البحث العلمیِّ لیعلَموا حقائق علیمةً جدیدةً!

۴) حاولَ العلماءُ لیعلَموا سرَّ ظاهرةِ مطرِ السمک فی الهندوراس بعدَ تلک الأمطارِ الشدیدة!

۲۴ عیِّن حرف «لـ» بمعنی «باید» فی الفارسیّة:

۱) لی شهادة فی الحاسوب.

۲) لِمَن هذه الشریحة؟

۳) لِنَعمَل بواجباتنا الاجتماعیّة.

۴) ذهبتُ إلی المتجر لأشتری جوّالا.

۲۵ عیّن التّرجمة الصّحیحة: «أحدُ آثارِ العُجبِ هو أنّ المرءَ یَحقِرُ ذنوبَه وَ لا یَتحرَّکُ نحوَ الکمالِ!»

۱) یکی از آثار خودپسندی آن است که آدمی گناهان خویش را کوچک می‌شمارد و به سوی کمال حرکت نمی‌کند!

۲) از اولین آثار خودپسندی آن است که انسان گناهانش را کوچک بشمارد و به سوی کمال در حرکت نباشد!

۳) یکی از آثار خودبینی آن است که آدمی گناه خویش را حقیر بداند و به سمت کمال حرکت نکند!

۴) اوّلین اثر خودبینی آن است که انسان گناهان خود را حقیر می‌شمارد و حرکت کمال نمی‌کند!

۲۶ عیّن الخطأ للفراغ: «وَ ما ..... مِن خیرٍ یَعلمهُ الله!»

۱) تَفعَلنَ

۲) تَفعلوا

۳) یَفعلنَ

۴) تَفعلینَ

تکلیف عید عربی یازدهم

۲۷ أیُّ عبارةٍ لمْ یوصفُ فیها إسمُ نکرةٍ؟

۱) یجبُ علی الإنسان أنْ لا یتکلّم عن موضوعٍ لیسَ له به علمٌ!
۲) إنّ اِشْتعال بذور کُلِّ شجرةٍ لا یُسبِّبُ خروجَ غازاتٍ!
۳) لا تُحدِّثوا فی حیاتکم بشیءٍ لا یُصدِّقه النّاس و یُکذِّبونه!
۴) یستخدم المُزارعونَ شجرةَ النفط کسیاجٍ یحمی محاصیلَهم من الحیوانات!

۲۸ عیِّن فعلاً متعدِّیا یَصِفُ نکرةً:

۱) کلّ واحدٍ منکُم تَعلَمونَ أنّ سَبَبَ النَّجاحِ جُهودُکم الکثیرة!
۲) اِنّ عَصفَتْ ریاحٌ شدیدةٌ خَرَّبتْ بَیتاً جَنبَ شاطِی البَحرِ!
۳) سَمعتُ مَوعظةً حَسنةً مِن فاضلٍ فمَنعَنی أن أرتکِبَ ذنباً!
۴) إنَّهما موظّفان قَد حذف رئیس الشّرکة إسمهما أخیراً!

۲۹ عیِّن ما لیسَ فیه اسمُ المکانِ و اسمُ التّفضیل معاً:

۱) أحبُّ المَواعِظ الّتی یکونُ قائلُها عاملاً بها!
۲) مِن أعاظِمِ مقابرِ بَلَدنا ایرانَ هی مقبرةُ فِردَوسیّ!
۳) شاهَدتُ فی شارعِکم أغلی مَنازِلَ جمیلة!
۴) مُعلِّمونا أجلُّ مَکرَمَةً مِن بقیّة معلّمی مَدارسِ المدینة!

۳۰ عیّن مالیس فیه صفة:

۱) کان الفارابیّ عالماً یطالع فی ضوء قندیل الحرّاس!
۲) حملتُ أبی المریض علی ظهری إلی المستشفی!
۳) نزل الرّاکبون من سیّاراتهم السریعة لاستقبال المقاتلین!
۴) عرفت الخنساء من عیون ناقل الخبر أنّ أولادها قد اُستشهدوا!

۳۱ للترجمة:

یریدُ الأعداءُ أن یُبْعِدوا شبابنا من القِیَم الاسلامیة و یُلوِّثوهُم بالثقافة الأجنبیة

۱) دشمن می‌خواهد که که جوانان ما از ارزش‌های اسلام دور شوند و به فرهنگ اجنبی روی بیاورند و آلوده گردند!
۲) دشمنان می‌خواهند که جوانان ما را از ارزش‌های اسلامی دور سازند و آنان را به فرهنگ بیگانه آلوده کنند!
۳) دشمن دوری جوانان ما را از ارزش‌های اسلامی می خواست در حالی که آلوده به فرهنگ بیگانه شده باشند!
۴) خواست دشمنان این است که جوانان ما از ارزش‌های اسلامی دور شوند و به فرهنگ اجنبی آلوده کردند!

۳۲ عیّن الجملة الوصفیّة

۱) رأیت طفلاً و هو ینظر إلی هذه الصخرة العظیمة بدهشة.
۲) رأیت التلمیذة المسرورةَ و قد نجحت فی المسابقات فرحة.
۳) هؤلاء الطالبات المجتهدات شارکن فی الحفلة.
۴) کانت المدیرة تبحث عن فردٍ فی المدرسة یجتهد فی أعمال الخیر.

۳۳ عَیِّن العبارةَ الّتی یُوْصَفُ فیها الفاعِلُ:

۱) الکتابُ صَدیقٌ یُنقِذُکَ مِن مُصیبَةِ الجَهْلِ!
۲) سافَرْتُ اِلی قَرْیَةٍ شاهَدْتُ صورَتَها اَیّام صِغَری!
۳) وَجَدْتُ بَرْنامَجاً یُساعِدُنی عَلی تَعَلُّمِ العَرَبیِّه!
۴) یُعْجِبُنی عیدٌ یَفْرَحُ فیه الْفُقَراءُ!

۳۴ عَیِّنِ العِبارَةَ الّتی یُوْصَفُ فیها المبتدأ:

۱) عالِمٌ یُنْتَفَعُ بِعِلْمِه، خیرٌ مِن اَلْفِ عابِدٍ!
۲) إرضاءُ النّاس غایَةٌ لاتُدْرَک!
۳) اَلإعصارُ ریحٌ شدیدَةٌ لاتَنْتَقِلُ مِن مکانٍ اِلَی مَکانٍ آخَرَ!
۴) !الکتابُ صَدیقٌ یُنقِذُکَ مِن مُصیبَةِ الْجَهْلِ

۳۵ عَیِّن العبارة الّتی یختلف فیها معنی المضارع:

۱) «وَ عَسَی أنْ تَکْرَهوا شیئاً وَ هُوَ خَیرٌ لکُم...»
۲) «... فَاصْبِروا حتّی یَحْکُمَ اللهُ بینَنا ...»
۳) «لَن تَنالوا البِرَّ حتّی تُنفِقوا...»
۴) «...لِکیلا تَحزنوا علی ما فاتَکم...»

۳۶ عیّن «لـ» یختلف عن الباقی فی المعنی:

۱) کانَتْ شیمل تدعو الغربیّین لِیفهموا حقائق الدّین الإسلامیّ!
۲) لِنبتَعِد عن الأمراض علینا أن نأکل الأثمار المفیدة کثیراً!
۳) لِیصبر أولئک الزّملاء حتّی یبلغوا العزّة!
۴) لِتَنْفَعوا مِنَ الحیاة یجب علیکم الابتعاد عن الحسدِ!

۳۷ عیّن عبارةً ما جاء فیها اسم نکرة:

۱) من أسباب هذا الأمر هو تَخریبُ الطَّبیعة بید الإنسان!
۲) کُنْ مثلَ القَمرِ سَعیداً، یَرْفَعُ النّاس رؤوسَهُم لِرُؤیَته!
۳) هذه ألوان للأشجار الْجَمیلة نَراها فی الطّبیعة!
۴) رَأی الْمَلِکُ أنَّ النّاس مُجتمعونَ حَولَ قَصْرِه قبلَ خُروجِه!

۳۸ عیّن عبارةً لیس فیها اسم التفضیل و اسم المکان معاً:

۱) أنا أعتقدُ أنّ البیتَ المقدَّس من الأماکن المناسبة للزیارة!
۲) أتذکّر أنّی أکلتُ ألذّ الأطعمة فی منزل جدَّتی المرحومة!
۳) انَّ أکبرَ القاعاتِ فی هذ ه الجامعة هی صالةُ المکتبة!
۴) لیس مکانٌ أجلَّ من المشهدِ الرضویّ المقدّس فی إیران!

۳۹ عیّن العبارة الّتی فیها الفعل المضارع أکثر:

۱) طَلَبَ الاستاذُ أن یَجلِس کلُّ واحدٍ منهُم فی زاویةٍ لِیُفرِّقُهم!
۲) عاهد الطُّلابُ علی أن لا یکذبوا و قالوا: تعلَّمنا درساً جیِّدا!
۳) «... لِکَیْلا تحزَنوا عَلی ما فاتَکُم ...»
۴) نحنُ تعلَّمْنا دَرساً لن نَنْساهُ أبداً!

۴۰ عیّن المستقبل المنفی لـ«وافَقْتُم»:

۱) لَن تُوافِقوا
۲) لِتُوافِقوا
۳) تُوافِقونَ
۴) لا تُوافِقوا

۴۱ عیّن الخطأ حسبَ ما تَحتَه خطٌّ:

۱) «أوَ لَم یَعلموا أنَّ اللهَ یَبسُط الرِّزقَ»: معناه ماضٍ
۲) أرسل الأنبیاء لِیُبیِّنوا الدین الحقّ!: معادلٌ للمضارع الالتزامیّ
۳) أولادنا لَن یَیأسوا من أعمالهم أبداً!: معادلُ للمستقبل المَنفیّ
۴) «... لکیلا تَحزنوا علی ما فاتَکُم»: فعلٌ مضارعٌ للنّهی

۴۲ عیّن ما فیه طلبٌ للقیام بالعمل:

۱) لیذهبوا إلی المدرسة!
۲) قاموا لیذهبوا إلی المدرسة!
۳) لَهم إمّا الذّهاب إلی المدرسة و إمّا البقاء فیها!
۴) هم اجتمَعوا للذّهاب إلی المدرسة قبل فوات الفرصة!

۴۳ عیّن ما فیه النّهی عن القیام بالعمل:

۱) لا نجاح و لا فوز لمن یُریدهما بلا جهد و عمل!
۲) لا حیلة لنا إلّا التمسّک بالعمل و الالتزام بالعهود!
۳) لا تَبلغون بأقوالکم آمالکم، فإنّ الهمّة دواؤکم!
۴) لا تَغتّروا بما لدیکم، فربّما یزول فی لحظة!

۴۴ عیّن الموصوف نکرةً:

۱) أفَتِّشُ فی المَکتبة عَن معاجم مُفیدة لِفَهم النُصوص!
۲) حَضَرَ الطّلّاب للامتحان فی الوَقتِ المُحَدَّد!
۳) عَصَفَتِ الرِّیاح بِشدّة و خَرَّبَتْ بیوتَ القَریَة!
۴) ذَهَبَ التِّلمیذ الذَّکیُّ إلی مَکتبةٍ و بَحَثَ عَن أجوبَة سؤالاته!

۴۵ عیّن حرف «اللّام» یختلفُ عن الباقی:

۱) علَینا أن نُحاول لِنَنجح فی أمورنا!
۲) من یساعدنی لأُکمّل هذا الکتاب فی هذه السّنة!
۳) سُمّی أخی مُهندساً حاذقاً لکَثرة علمه!
۴) راجَعتُ الصّیدلیة لأشتری الحبوب بدون وَصفة!

۴۶ عیّن الفعل الّذی لیسَ للنَفی:

۱) یا صدیقی! لِم استمعت إلی کلامِ زَمیلک المُشاغب!
۲) نحنُ لا نَترک الأحترامَ إلی والدینا أبداً!
۳) علی الإنسانِ أن لا یَخاف من أحَد إلّا الله!
۴) یا شبابُ! لَن ینجح مَن یَطلُبُ الرّاحة!

۴۷ عیّن جملةَ تصفُ مفعولاً نکرة:

۱) قبر کورش یجذبُ أساتذة یأتونَ من دُوَل العالَم!
۲) مُصادقة الکَذّاب کَسراب یُقَربُ علیک البعید!
۳) نعلم أنّ هذه الظّاهرة أمر طبیعیّ یَحدُثُ سنویًا!
۴) الشرشف قطعة قماش توضَعُ علی السّریر!

۴۸ عیّن الموصوف فاعلاً!:

۱) فَکَّر التِّلمیذ الذّکیُّ حولَ مُشکلةٍ فَذَهَبَ إلی مُعلِّم الکیمیاء!
۲) الشّجرةُ الخانقةُ شَجَرةٌ تَنمو فی بَعضِ الغابات الاستوائیّة!
۳) تَحملُ شَجَرةُ الخُبزِ أثماراً فی نِهایة أغصانها کالخُبز!
۴) شاهدتُ فی مَتجرٍ صَدیقی صورةً صَغیرةً من طفولتنا!

تکلیف عید عربی یازدهم

۴۹ عیّن فعل الشّرط لایکون فعلاً ماضیاً:

۱) مَن تنبّه الیوم فلَه حلاوة العاقبةِ!
۲) إن تُفکّر ساعة فهو خیر لک من عبادة کثیرة!
۳) إنْ تَکلّموا فی الصّف حین تدریس المعلّم لایفهموا الدّرس!
۴) من تَوکّل علی ربّه و قدراته فی کلّ الأُمور سَهلت متاعب الحیاة له!

۵۰ «العالِمُ حیّ و إن کانَ میّتاً!»: عیّن الأبعد فی المفهوم:

۱) به دانش بود مرد را ایمنی / ببندد ز بد دست اهریمنی!
۲) سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز / مرده آن است که نامش به نکویی نبرند!
۳) به دانش بُود بی‌گمان زنده مرد / خُنک رنج بردار پاینده مرد!
۴) علما راست رتبتی در جاه / که نگردد به روزگار تباه!

۵۱ عیّن «ما» الشرطیة:

۱) ما تعمل الیوم تحصده غداً حتماً!
۲) ما عرفتنی زمیلتی حین مررت من جنبها!
۳) ما نوع الرائحة الّتی کانت تفوح فی الشّارع!
۴) ما الفخر إلّا لأهل العلم إنّهم علی الهدی!

۵۲ عیّن العبارة التی لها معنی المضارع:

۱) تزیَّن الطالب بالأخلاق الحسنة.
۲) کانت شیمِل تُلْقی مُحاضَراتٍ باللُّغةِ الفارسیة.
۳) إنْ قرأت الدروس بدقّة انتفعت بها!
۴) لم تنجحْ من لَم تَنظر فی عواقب عملها.

۵۳ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة:
«الإبتسام علی الحیاة یقوّیک علی إنجاز الأعمال الصّعبة و الأُمور العظیمة!»:

۱) خندیدن بر زندگی، تو را بر انجام کارهای شاق و سخت و بزرگ قادر می سازد!
۲) خندیدن برای زنده ماندن، اعمال سخت و کارهای بزرگ را برای تو ساده می کند!
۳) لبخند زدن برای حیات داشتن، تو را در اعمال سخت و کارهای عظیم یاری می دهد!
۴) لبخند زدن به زندگی تو را در انجام دادن اعمال سخت و کارهای عظیم توانمند می کند!

۵۴ عیّن الصفة جملة:

۱) قد احتفظ المسلمون بهذا النّشاط العلمیّ قروناً طویله!
۲) یمتاز هذا القارئ عن سائر زملائه بصوته الجمیل!
۳) کلّ واحد فی المجتمع یقوم بعمل ینفع الناسَ کلّهم!
۴) وصلنا متأخّرین فلم نجد مکاناً مناسباً للجلوس!

۵۵ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی التّرجمة:
«نحن سنذهب مع قائدنا إلی القتال و لن نترکه وحیداً فی الوقت الحرج!»

۱) با رهبر خویش به محل نبرد رهسپار میشویم و او را در زمان سختی ترک نمی‌کنیم!
۲) به همراه فرمانده برای مبارزه خواهیم رفت و هرگز او را در وقت دشواری رها نمی‌کنیم!
۳) ما همراه فرمانده خود به نبرد خواهیم رفت و هنگام سختی او را تنها ترک نخواهیم کرد!
۴) ما با رهبر خود به میدان جنگ میرویم و او را در زمان دشواری تنها رها نخواهیم کرد!

۵۶ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی‌التّرجمة: «هل یستوی الّذین یعلمون و الّذین لایعلمون»

۱) آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابر هستند؟!
۲) آیا کسانی که آگاهند و کسانی که نمی‌دانند، برابر نخواهند بود؟!
۳) آیا به اندازه کسانی که می‌دانند، افراد ناآگاه وجود دارد؟!
۴) آیا آنان که می‌دانند از کسانی که نمی‌دانند جدا می‌شوند؟!

۵۷ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة:
«أشعَّة القمر الّتی ظَهَرَت، جعلت السّماء منظراً یَخلبُ القلوب!»:

۱) پرتوهای ماهی که آشکارشد، آسمان را صحنه‌ای قرار داد که دل‌ها شیفته می‌شدند!
۲) پرتو ماه که آشکار شد، آسمان را صحنه‌ای قرار داد که دل‌ها را ربود!
۳) دل‌ها شیفته شدند وقتی پرتوهای ماه که آسمان را صحنه‌ای قرار می‌داد، ظاهر شدند!
۴) پرتوهای ماه که آشکار شد، آسمان را صحنه‌ای قرار داد که دل‌ها را می‌ربود!

۵۸ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة
تأثّرات الطالبات بکلام معلّمتهنّ عمیقاً فتغیّر اُسلوب تعلّمهنّ!

۱) دانش‌آموزان از کلمات معلم خویش تأثیر ژرفی پذیرفته بنابراین اسلوب آموزش آن‌ها دگرگون می‌شود!
۲) دانشجویان از حرف معلم خویش عمیقاً متأثر شدند لذا نحوه‌ی آموزش خود را عوض کردند!
۳) شاگردان از سخن معلم خود تأثیر عمیقی پذیرفتند و شیوه‌ی آموختن خویش را تغییر دادند!
۴) دانش‌آموزان عمیقاً تحت‌تأثیر سخن معلم خود قرار گرفتند لذا روش آموختن آن‌ها تغییر کرد!

۵۹ عَیِّن المُعَرَّفَ بـ «عَلَم» مختلفاً فی المحلِّ الإعرابیِّ:

۱) یُوْجَدُ نَوعٌ مِنْها فی جَزیرَةِ قِشم الَّتی تَقَعُ فی مُحافَظَةِ هُرمُزْجان!
۲) یُوْجَدُ نَوعٌ مِنْها فی مَدینَةِ نیکشَهر بِمُحافَظَةِ سیستان باسْمِ شَجَرَةِ مداد!
۳) تُوْجَدُ غاباتٌ جَمیلَةٌ مِنْها فی مُحافَظَةِ إیلام!
۴) اَلْعِنَبُ الْبَرازیلیُّ شَجَرَةٌ تَخْتلِفُ عَنْ باقی أَشجارِ الْعالَمِ، تَنْبُتُ فی الْبَرازیلِ!

۶۰ عیِّن الخطأ:

۱) مَن فَکَّر قَبلَ الْکَلامِ، قَلَّ خَطَؤُهُ! : هر کس پیش از سخن گفتن بیندیشد، خطایش کم می‌شود!
۲) ما فَعَلْتَ مِنَ الْخَیراتِ، وَجَدْتَها ذَخیرَةً لِآخِرَتِکَ! : هر چه از کارهای نیک انجام بدهی، آن را برای آخرت اندوخته می‌یابی!
۳) إنْ صَبَرْتَ، حَصَلْتَ عَلَی النَّجاحِ فی حیاتِکَ! : اگر صبر کنی در زندگی‌ات موفقیّت به دست می‌آوری!
۴) إن تَنصُرُوا الله یَنصُرکُم و یُثَبِّت أقدامَکُم! : اگر خدا را یاری کنید او (نیز) شما را یاری می‌کند و قدمهایتان را استوار می‌سازد.

فرزانگان ۳

تاریخ آزمون: ۱۳۹۹

زمان برگزاری:

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون: تکلیف عید زبان یازدهم

صفحات :

۲۱۵-۲۱۷

۲۳۰-۲۳۴

۲۳۶-۲۳۷

۱۹۹-۲۰۰

۱۶۲-۱۶۳

از کتاب کار

فرزانگان ۳

تاریخ آزمون: ۱۳۹۹

زمان برگزاری:

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون: تکلیف عید دینی پایه یازدهم

۲۰ تست اول درس های ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ از کتاب خیلی سبز